

ویژه ورودی‌های ۹۸ - شماره ۲، پاییز ۱۳۹۸



معرفی اقتصاد و گرایش‌های آن



Behavioral
Economics

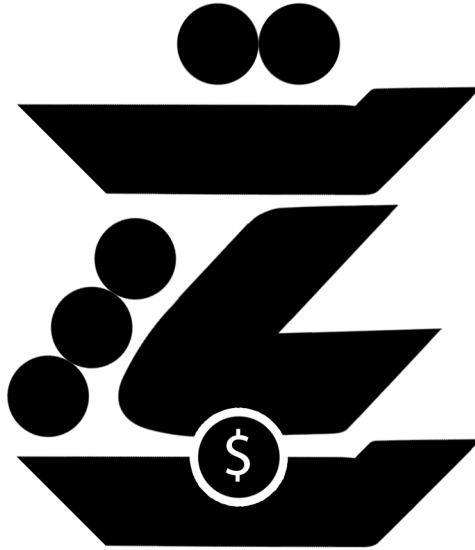
اقتصاد رفتاری

اقتصاد رفتاری دانشی است که با ترکیب دانش‌های اقتصادی ما و دستاوردهای دانش روانشناسی و به طور خاص روانشناسی شناختی، می‌کوشد رفتارها و تصمیم‌های اقتصادی ما را بهتر توصیف و تحلیل کند. اقتصاد رفتاری به دنبال افزایش قدرت توضیح دهنده علم اقتصاد از طریق واقعی‌تر کردن بنیان‌های روانشناسی است.

E C O N O M Y



خوش آمدید به



انجمن علمی دانشجویی اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد



مدیریت فرسکال و فعالیت های داوطلبانه

نشریه علمی فرهنگی انجمن علمی دانشجویی اقتصاد
دانشگاه فردوسی مشهد

انجمن علمی دانشجویی اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

۹۷۳۰۲۵

امیررضا محمدی

بهناز یوسف نژاد

زهرا مهدوی اطهر، مرتضی دلیری پور، امیر پاکدل،

فاطمه خدابخشیان، محمد اسحاقی، امیررضا امانی،

زهرا واعظی مقدم، حسن حاتمی وفا، بهناز یوسف نژاد،

استاد مشاور نشریه دکتر مهدی فیضی

بهناز یوسف نژاد، امیررضا محمدی

امیررضا محمدی

امیررضا محمدی

مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم اداری و

اقتصادی، دفتر انجمن علمی دانشجویی اقتصاد

صاحب امتیاز

شماره مجوز

مدیر مسئول

سر دبیر

هیأت تحریریه

ویراستار

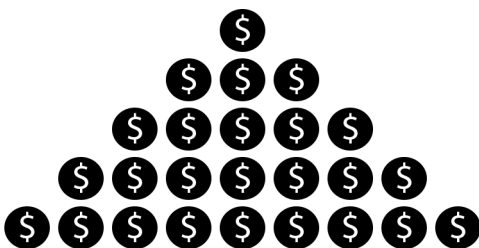
مدیر هنری

مدیر مالی

نشانی

باتشکر از تمام کسانی که ما را در

چاپ این شماره یاری نمودند.



۴

۵

۸

۱۲

۱۵

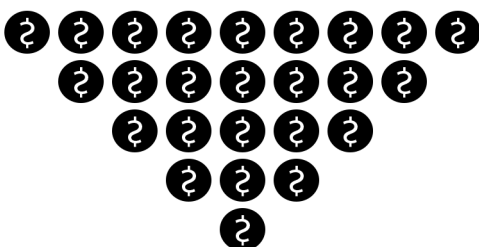
۱۷

۲۰

۲۲

۲۴

۲۸



سخن سردبیر

اقتصاد چیست؟

اقتصاد رفتاری

احساسات یک بورسی

اقتصاد فرهنگ

اقتصاد مالی

اقتصاد نظری

اقتصاد توسعه

اقتصاد سلامت

فرصت‌های تجاری
ایران و روسیه

سخن سردبیر

همانطور که میدانیم تک به تک تصمیماتی که در هر روز از زندگانی خود می‌گیریم، آینده ما را تشکیل می‌دهند، آینده‌ای که برایش نقشه می‌کشیم و منتظر آمدنش هستیم. بهتر است بدانیم نقطه‌ای که اکنون بر روی آن قرار گرفته‌ایم حاصل تصمیمات ما در روزهای گذشته است. پس برای اینکه بتوانیم آینده‌ای بهتر بسازیم باید از همین امروز متوجه تصمیماتی که می‌گیریم باشیم. اکنون شما با وجود تمام سختی‌ها یک دوره از زندگی را پشت سر گذاشتید و وارد مرحله‌ی دیگری از زندگی خود شدید. این موفقیت را به شما تبریک می‌گوییم و فداوند بزرگ را شاکریم که به ما توفیق داد که بتوانیم مطالبی در جهت هر چه بیشتر شدن اطلاعات شما عزیزان گردآوری کنیم و در اختیارتان قرار دهیم.

قدم نهادن در هر مسیری برای رسیدن به یک مقصد، مستلزم داشتن شناخت از آن مسیر است. هر چه این شناخت کامل تر باشد، طی مسیر هموارتر خواهد بود. به همین دلیل تصمیم گرفتیم این شماره از نشریه را به معرفی رشته اقتصاد و گرایش‌های آن اختصاص بدهیم.

بهناز یوسف‌نژاد

کارشناسی اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد



سیدومید سیدمحمدی

کارشناس اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد



چیستی علم اقتصاد

با شنیدن کلمه‌ی اقتصاد موضوعاتی مانند تورم، بیکاری، پول، فقر، خرید، فروش و... به ذهن میرسد در صورتی که اهالی علم اقتصاد با شنیدن این کلمه اولین موضوعاتی که به ذهنشان خطور می‌کند مفاهیمی چون بده بستان، هزینه فرصت، مطلوبیت، عرضه، تقاضا و... است. واضح است که بین این مفاهیم و آن موضوعات ارتباط تنگاتنگی وجود دارد اما غرض این‌که بین علم اقتصاد و اقتصاد به معنای عام کلمه، تفاوت است. توضیح آن‌که علم اقتصاد چارچوبی است برای فهم اقتصاد. به بیان دیگر، علم اقتصاد ابزار تحلیل واقعیت اقتصادی است. تحلیلی که به فرد قدرت تصرف در امور اقتصادی می‌دهد و این تصرف همان آرمان و غایت علم مدرن است. بنابراین و با توضیح داده شده میتوان گفت علم اقتصاد امری است سهل و ممتنع. سهل و آسان است از آن جهت که ما به صورت روزمره و مکرر با واقعیت‌های اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کنیم و با آنها آشنایی داریم و ممتنع و دشوار است از آن جهت که در عین محسوس و ملموس بودن این واقعیت‌ها، به‌سختی میتوانیم آنها را فهم و ارزیابی کنیم. هرچند در نظر بعضی از افراد عادی، فهم و درک پدیده‌های اقتصادی راحت تلقی می‌شود

اما همین افراد نمی‌توانند از فهم خود در جهت پیش‌بینی و کنترل آن پدیده‌ها بهره ببرند که نشان از نادرست و سطحی بودن این درک‌های عمومی و ابتدایی دارد. حال این سؤال پیش می‌آید که علم اقتصاد چیست؟ علم اقتصاد ترجمه‌ای است از کلمه‌ی **economics** که خود مخفف **economic science** است. کلمه‌ی **economy** ریشه در زبان یونانی دارد که معنای آن «قواعد خانوار» است. بنابراین اقتصاد در یونان باستان همان «علم تدبیر منزل» بود (و نه بیشتر از آن). اما با گذشت زمان دایره‌ی علم اقتصاد گسترده‌تر شد و علم اقتصاد به‌عنوان «علم بررسی تولید، توزیع، مبادله و مصرف» تعریف شد. در ادامه، قلمرو این علم گسترده‌تر از قبل و تعریف جدیدی از آن به صورت «علم تخصیص بهینه‌ی منابع محدود به نیازهای نامحدود انسان» ارائه شد. مهمترین نکته‌ای که میتوان از تعریف گفته‌شده استخراج کرد، مسئله‌ی کمیابی است که همان موضوع و مسئله‌ی اصلی علم اقتصاد است. کمیابی یعنی نمی‌توانیم به تمام خواسته‌های خود برسیم و باید دست به انتخاب بزنیم که چه چیزی را داشته باشیم و چه چیزی را از دست بدهیم. بنابراین می‌توان علم اقتصاد را علم انتخاب دانست. از آنجاکه انسان از طرفی با مسئله‌ی کمیابی روبرو است و از طرفی موجودی دارای اراده و اختیار است، دائماً در معرض تصمیم‌گیری و انتخاب قرار دارد و هرکجا که انتخابی در میان باشد علم اقتصاد در آنجا حرف برای گفتن دارد.

اینجاست که میزان اهمیت و تأثیرگذاری این علم در زندگی بشر روشن می‌شود. زلحاح تاریخی اندیشه‌ی اقتصادی در یونان باستان و قرون وسطی تحت تأثیر و سلطه‌ی فلسفه، اخلاق و سیاست بوده و زیرمجموعه‌ی آنها تعریف میشد (البته لازم به ذکر است که اندیشه‌ی اقتصادی در تمدن‌های شرقی از جمله اسلام نیز وجود داشته اما در بحث‌های تاریخی از علم اقتصاد، چندان بحثی در مورد آنها نمی‌شود. چراکه اندیشه‌ی اقتصادی مدرن، چندان نسبتی با تمدن‌های شرقی ندارد). با وقوع رنسانس، علم مدرن به‌عنوان ستون تمدن نوپدید مدرن ایفای نقش نمود. علمی که ماهیتاً و به‌صورت بنیادین با علم در دوره‌های قبلی تفاوت دارد. علم مدرن با انقلاب کوپرنیکی و فیزیک نیوتنی و به‌طور کلی علوم طبیعی آغاز و در ادامه منتج به شکل‌گیری علوم انسانی شد. اقتصاد جزء علوم انسانی متأخر است که پس از علوم سیاسی، حقوق و جامعه‌شناسی پدید آمد. هرچند اندیشه‌های اقتصادی، هم قبل از رنسانس وجود داشت و هم از ابتدای وقوع آن، اما با این‌وجود از آدام اسمیت و کتاب مشهور او «ثروت ملل» در سال ۱۷۷۶، به‌عنوان پدر علم اقتصاد و نقطه‌ی آغاز اندیشه‌ی اقتصادی مدرن یاد می‌شود؛ اما اگر بخواهیم دقیق‌تر بحث کنیم، علم اقتصاد مدرن در اواخر قرن ۱۹ و با تلاش‌های مارژینالیست‌ها به وجود آمد. چه این که قبل از آن اندیشه‌های اقتصادی، تحت عنوان اقتصاد سیاسی (political economy) و بعد از آن

تحت عنوان علم اقتصاد (economics) مطرح می‌شد.

تا به امروز تنها اقتصاد از میان علوم انسانی به عنوان یک علم به مثابه science شناخته می‌شود. مهم‌ترین دلیل این موضوع را میتوان نقش آفرینی ویژه‌ی ریاضیات در اقتصاد نسبت به سایر علوم انسانی دانست که باعث پیشرفت چشمگیر آن نسبت به سایر علوم انسانی نیز شده است. جایگاه ریاضیات در علم اقتصاد بر خلاف تصور غالب تنها جایگاه ابزاری نیست، بلکه از طرفی امکان شکل‌گیری این علم و از طرفی ضامن عینیت و کاربرد یافتن آن است. از جهت اول نه تنها علم اقتصاد بلکه به‌طور کلی، ویژگی بنیادین علم مدرن ریاضیاتی بودن آن است. برای فهم این موضوع باید به آثار و مباحث فلاسفه‌ی مدرن از جمله دکارت، ذایب نیست، کانت و... مراجعه نمود ولی به‌طور خلاصه و در حد بضاعت این نوشته، ریاضیاتی بودن علم مدرن به معنای با طرح پیشینی به سراغ واقعیت رفتن است. ریاضیاتی بودن علم مدرن، از لحاظ معرفت‌شناختی یعنی شناخت فعالانه و نه منفعلانه از امر واقع داشتن (شناخت سوپژکتیو) و از لحاظ روش شناختی یعنی ابتدای علم بر فروض و پیشفرض‌ها و به کارگیری قواعد استنتاج صحیح برای رسیدن به نتایج علمی. علم اقتصاد نیز به عنوان یک علم (science)، تحت همین مبانی فلسفی و به همین شیوه نظریه‌های خود را تولید می‌کند. به همین دلیل نظریه‌های آن دارای صدق درونی

معنا و جهت می‌بخشد. امروزه اقتصاد و به‌طور خاص بازار است که به اشیاء وجود می‌بخشد و اشیاء در نسبت با بازار وجود خود را پیدا میکنند و آنچه خارج از بازار و مبادله است گویی که اصلاً وجود ندارد.

و مجرد از واقعیت است، یعنی نتایج آن منطبق بر فروض و پیش‌فرض‌هایی است که این فروض و پیش‌فرض‌ها نتیجه‌ی درونبینی انسان است. به بیان دیگر نظریات علم اقتصاد، مجرد از واقعیت پسینی و منطبق بر واقعیت پیشینی است. حال این سوال پیش می‌آید که رابطه‌ی بین این نتایج علمی و نظریه‌ها با واقعیت اقتصادی (بصورت پسینی) چیست؟ این رابطه در حوزه‌ی کاربردی علم اقتصاد و به طور خاص در اقتصاد سنجی بررسی می‌شود که در این جا نیز ریاضیات به‌طور قابل توجهی ایفای نقش می‌کند.

علم اقتصاد امروزه نسبت به سایر ابعاد انسان و اجتماع مانند سیاست، حقوق، روانشناسی و... تحت عناوینی چون انتخاب عمومی، حقوق و اقتصاد، اقتصاد رفتاری و ... اظهار نظر کرده و چارچوب مفهومی خود را بر آنها تحمیل نموده است. به بیانی دیگر این علم اقتصاد است که حکم میراند و این بینش و دید اقتصادی است که قدرت تجزیه و تحلیل نه تنها اقتصاد بلکه سیاست، حقوق و ... را فراهم می‌کند. دلیل این موضوع را به‌طور عمده می‌توان در دو مطلب خلاصه کرد. یکی علم به معنای **science** بودن علم اقتصاد، درحالی‌که دیگر علوم انسانی چنین ویژگی‌ای ندارند و دیگری تسلط اقتصاد بر دیگر امور در واقعیت زندگی انسان مدرن. توضیح این‌که در دنیای مدرن این پول است که حرف اول و آخر را می‌زند و به بیان مارکس، سرمایه است که بنیاد تمام امور قرار گرفته و به آنها

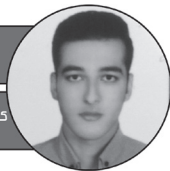


اقتصاد رفتاری از جمله رشته‌هایی است که طی سالهای اخیر به شدت مورد استقبال دانشگاهیان و نیز مخاطبان عمومی قرار گرفته است. البته بحث‌ها و تحقیقات اقتصاد رفتاری و حوزه مالی رفتاری که به آن نزدیک است، چند دهه قدمت دارند.

اما شاید بتوان گفت تلاش‌های دانیل کانمن از یکسو و اعطای جایزه نوبل اقتصاد به ریچارد تیلر از سوی دیگر باعث شد که این رشته بین عموم مردم نیز بیشتر شناخته و جدی‌تر گرفته شود. اقتصاد رفتاری دانشی است که با ترکیب

مسن ماتم‌وفا

کارشناسی اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد



اقتصاد رفتاری چیست؟

بدون شک شما هم در اولین برخوردتان با کلمه اقتصاد رفتاری این سؤال به ذهنتان خطور کرده است که چه رابطه‌ای بین اقتصاد و رفتار وجود دارد؟ شاید به این مسئله اندیشیده باشید که این دو علم اشتراک زیادی با یکدیگر ندارند!

دانسته‌های اقتصادی ما و دستاوردهای دانش روانشناسی و به طور خاص روانشناسی شناختی، می‌کوشد رفتارها و تصمیم‌های اقتصادی ما را بهتر توصیف و تحلیل کند. اقتصاد رفتاری به دنبال افزایش قدرت توضیح دهنده‌گی علم اقتصاد از طریق واقعی‌تر کردن بنیان‌های روانشناسی است. هسته اصلی اقتصاد رفتاری اعتقاد به افزایش واقع‌گرایی در زیر بناهای روان‌شناختی علم اقتصاد است که سبب بهبود نظریه‌های اقتصادی در انجام وظایف خود نظیر توصیف بهتر تئوری‌ها، پیش‌بینی بهتر حوادث و پیشنهاد سیاست‌های اقتصادی بهتر می‌شود. البته این دیدگاه در جایگاه نفی اساس اقتصاد نئوکلاسیک بر پایه حداکثر کردن مطلوبیت، تعادل و کارایی قرار ندارد.

اقتصاددانان رفتاری بر این باور هستند که تصمیم‌های اقتصادی انسان‌ها آن قدر ساده و مکانیکی نیست که با معادلات اولیه‌ی ریاضی و فرض عقلانیت اقتصادی قابل درک باشد. آنان بر این باورند که انسان‌ها آن طور که در اقتصاد کلاسیک پیش‌بینی شده‌اند تصمیم نمی‌گیرند و تصمیمات آن‌ها تحت تاثیر مسائل بسیار زیادی است که بعضاً منجر به اشتباه هم می‌شوند. بر خلاف اقتصاد سنتی که عقیده دارد پایه و اساس در انتخاب‌های مردم عقل و منطق است، اقتصاددانان رفتاری معتقدند که مسائلی از جمله عواطف، گرایشات ذهنی، باگ‌های فکری، خود تجربه‌کننده و خود بیادآورنده هر شخصی در تصمیم‌گیری موثرند و صرفاً نمی‌توان گفت که عقل و منطق و خرد انسان‌ها، با آن عقل اقتصادی که اقتصاددان‌ها فرض می‌کنند

یکسان است.

اقتصاد رفتاری جزو علوم شناختی است. علوم شناختی مباحث گوناگونی را مورد بررسی قرار می‌دهند، از جنگ و جرم‌شناسی تا صرفه‌جویی در انرژی را می‌توان با استفاده از راه‌حل‌های علوم شناختی مورد بحث قرار داد. اقتصاد رفتاری رشته‌ای است که با روش علمی در فضای روان‌شناختی فاکتورهای مربوط به احساسات و اجتماع را در تحلیل فهم بازارها و عوامل اقتصادی به کار می‌گیرد و همچنین این علم به ما می‌گوید که نه تنها ما همه روزه اشتباه می‌کنیم بلکه دائماً در حال تکرار آن اشتباهات هستیم. رفتارهای گمراه‌کننده‌ی ما نه تصادفی‌اند و نه بی‌مفهوم، بلکه آنها اسلوب‌مند و قابل پیش‌بینی هستند. ما با کمک اقتصاد رفتاری می‌توانیم نابخردی‌های ذهن خود را بهتر بشناسیم.

برای فهم بیشتر به مثال ذیل توجه کنید:

حسابداری ذهنی

۱۰۰ هزار تومانی که در جیب کتم گذاشته‌ام پول بیشتری است یا ۱۰۰ هزار تومان کارت بانکی؟ قطعاً این دو مبلغ برابر هستند. ۱۰۰ تومانی که از بانک برنده شده‌ام بیشتر است یا ۱۰۰ تومانی که برایش کار کرده‌ام؟ جواب واضح است، نه؟

یک هدفون، کنار محل دانشگاه ۲۰۰ هزار تومان است و در خیابان سعدی ۱۰۰ هزار تومان، طبیعی است که برای خرید هدفون به خیابان سعدی بروید، نه؟ حالا می‌خواهید یک ماشین بخرید که ۱۱۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان است. یک مورد مشابه در خیابان سعدی ۱۱۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان قیمت دارد. ۱۰۰ هزار تومان ارزش تا سعدی

رفتن را ندارد، نه؟

در تمام موارد ۱۰۰ هزار تومان برای ما یکی نیست. به راحتی برای گوشی موبایل ۱۰۰ تومان بیشتر می‌دهیم، اما ۱۰۰ هزار تومان بیشتر برای یک پرس غذا، محال است!

مفهوم اصلی حسابداری ذهنی (Mental Accounting) همین است. مردم با توجه به این که پول از کجا آمده و قرار است کجا هزینه شود، برخورد متفاوت دارند. مثلاً اگر اینستاگرام از مردم حق عضویت بگیرد، یا هزینه استفاده از اینستاگرام را به شکلی مخفی اخذ کند، رفتارها متفاوت خواهد بود.

کج رفتاری و اقتصاد رفتاری

دنیل کانمن بیش از دیگران به مطالعه خطاهای شناختی در اقتصاد رفتاری پرداخته است. تعداد این سوگیری‌های شناختی خیلی زیاد است. برای آشنا شدن با این موارد می‌توانید کتاب «فکر کردن سریع و آهسته نوشتن» دنیل کانمن یا کتاب «کج رفتاری» نوشته ریچارد تیلر را که سیر تکوین و شکل‌گیری اقتصاد رفتاری در آن به خوبی شرح می‌شود و همچنین کتاب «تاب‌خردی‌های پیش‌بینی پذیر» اثر دن آربلی و «تلنگر» نوشته ریچارد تیلر را مطالعه کنید. طبیعی است که انسان عاقل بداند بعد از زمستان، تابستانی هم در کار خواهد بود. به همین ترتیب بعد از رکود شدید اقتصادی، دوران رونقی هم فرامی‌رسد. یا وقتی بورس خیلی بد است، روزهای خوبی هم رخ خواهد داد. اما بسیاری از مردم طوری تصمیم می‌گیرند که انگار شرایط تا ابد مثل امروز خواهد بود. در دوران رکود از اقتصاد

ناامید می‌شوند و مهاجرت می‌کنند، یا بعد از چندماه تحمل منفی‌های بورس منتظر برگشت نمی‌مانند و از بازار خارج می‌شوند. آن‌ها وقتی به بورس برمی‌گردند، که بازار به اوج خود رسیده و آماده سقوط است. در این شرایط حتی نمی‌ترسند که خانه خود را بفروشند و پولش را به بازار بیاورند. اقتصاد رفتاری و آگاهی از این که ما تا چه اندازه می‌توانیم با استفاده از تحلیل‌های منطقی تصمیم بگیریم، تصور ما از خودمان را به طور کامل تغییر می‌دهد. دست کم همین که به میزان نادانی خود پی ببریم، ارزش زیادی دارد.

جدیدترین موضوعات مورد مطالعه

نوروفایننس

یک شاخه جدید از اقتصاد رفتاری است که حوزه مالی بازار و نحوه تصمیم‌گیری مدیران را تجزیه و تحلیل می‌کند. این رشته به این می‌پردازد که مغز ما به عنوان یک مدیر چه طور تصمیم می‌گیرد. در واقع مغز ما چه طور زمانی که با یک انتخاب مالی رو به رو می‌شویم کار می‌کند و همچنین این شاخه سعی بر بیان ارتباط فرآیندهای مغز با رفتار و کنش سرمایه‌گذاران دارد. برای مطالعه بیشتر در این زمینه می‌توانید به مقاله «مالی عصبی، افق پیش روی مالی رفتاری» نوشته آقایان شکراله خواجوی و حسن فتاحی رجوع کنید.

عصب اقتصاد

یک علم جدید است که نتایج تحقیق از رشته‌های اقتصاد، روان‌شناسی و علوم اعصاب را با هم ترکیب می‌کند. عصب اقتصاد برای درک و پیش‌بینی تصمیم‌درباره‌ی پاداش‌ها مانند پول، غذا، کسب اطلاعات، لذت یا درد فیزیکی و تعاملات اجتماعی به کار می‌رود و همچنین جهت مطالعه در این زمینه هم می‌توانید به مقاله «نقش رشته اقتصاد عصبی در کاربرد مالی و رفتارشناسی مالی» نوشته دکتر محمد شریف و همکارانشان رجوع کنید

جایگاه این رشته در ایران

متأسفانه این رشته در ایران وجود ندارد، اما در مقاطع ارشد و دکتری در بسیاری از کشورهای دنیا شامل آمریکا، انگلیس، آلمان، هلند، نروژ، استرالیا، اتریش، کانادا، فرانسه، ایتالیا، سوئد، سوئیس، اسرائیل و سنگاپور تدریس می‌گردد. با وجود عدم وجود این زیرشاخه در ایران، آزمایشگاه رفتاری به همت چند تن از اساتید و دانشجویان، در دانشگاه صنعتی شریف تأسیس شده است که به محققان کمک می‌کند تا محیط مناسبی را برای انجام پژوهش‌های خود داشته باشند.

آینده و بازار کاری رشته اقتصاد رفتاری

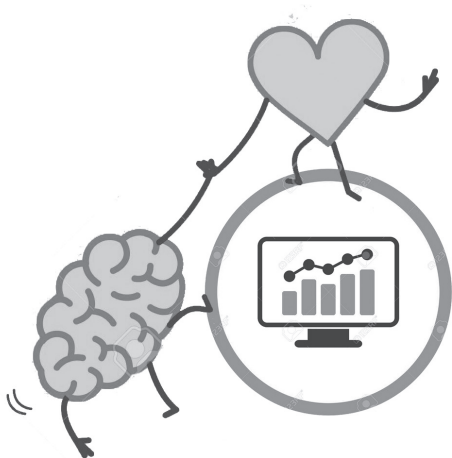
وقتی به لیست پردرآمدترین رشته‌های تحصیلی جهان و به دنبال آن ایران، نگاهی بندازید خبری از رشته‌ی علوم شناختی نیست. بلکه در این لیست شاهد عناوینی مانند MBA، Social Science، game tester و... خواهید بود.

سوالی که اینجا مطرح می‌شود این است که،

پس چرا اقتصاد رفتاری بخوانیم؟ آینده و بازار کاری رشته اقتصاد رفتاری چیست؟ برگردید به ۱۰ سال پیش سپس دوباره نگاهی به عناوین بالا بیندازید. آیا ۱۰ سال پیش موقعیت شغلی و یا حتی رشته تحصیلی تحت عنوان "دانش شبکه‌های اجتماعی" بود؟ همانطور که می‌دانید پاسخ این پرسش خیر است.

اقتصاد رفتاری نیز رشته‌ای متعلق به آینده است. عمر این رشته در جهان کم است و هرروز محققان جدیدی به این حوزه ملحق می‌شوند. نکته قابل توجه این است که بخشی از این آینده، آغاز شده است و برخی از نشانه‌های آن را نیز در زندگی روزمره امروزی، می‌توان مشاهده کرد. از آنجایی که اقتصاد رفتاری میان رشته‌ایست تمامی علوم دیگر را

میتوان از این منظر بررسی کرد. قاعده‌ای که در حال حاضر بر دنیای کار حاکم است، خلاقیت و کارآفرینی است. در ایران اغلب فارغ‌التحصیلان رشته‌های دانشگاهی بیکار هستند یا در زمینه‌های غیرمرتبط کار می‌کنند. مشکل بدتر بی‌سوادی فارغ‌التحصیلان است. شما چه در رشته اقتصاد رفتاری و چه در رشته‌های دیگر نیازمند خلاقیت و تخصص هستید. اگر جزو افرادی هستید که صرفاً می‌خواهید چند واحد پاس کنید و بعد از آن یک کار حاضر و آماده تحویل بگیرید، اقتصاد رفتاری مناسب شما نیست.



امیررضا امانی

کارشناسی اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد



احساسات یک بورسی

امروزه کمتر کسی را پیدا می‌کنیم که واژه بورس به گوشش نخورده باشد، اما بورس چیست؟

بورس در معنای لغوی به بازاری اطلاق می‌شود که در آن انواع دارایی‌ها داد و ستد می‌شود و شامل بورس اوراق بهادار، بورس کالا و بورس ارز می‌باشد. اما از نظر من بورس یعنی پول! بازاری که در صورت شناخت کافی، پتانسیل ثروتمند کردن ما را دارد و در مقابل به شرط نداشتن دانش کافی مَهر "مال باختگی" را در پیشانی ما داغ می‌کند. آمار و شواهد گویای این قضیه هستند که بیش از ۸۰٪ افراد در بورس با ضرر مواجه می‌شوند و تنها حدود ۲۰٪ به سود می‌رسند و این به این دلیل است که ۸۰٪ افراد مهمترین فاکتور ورود به بورس یعنی آموزش را فراموش کرده‌اند. دومین فاکتور احساسات می‌باشد. حتما شما هم شنیده‌اید که بهای کنترل نکردن احساسات، از دست رفتن آرزوهایتان خواهد بود و همین احساسات محرک اصلی رفتارهای مادر بورس خواهند بود و کسی که در معامله‌گری پیرو احساسات شود، در بورس روی موفقیت را نخواهد دید. هر یک از ما بین دو طیف از احساس در نوسانیم: **ترس و طمع** - وارن بافت بزرگ مرد بورس وال استریت

می‌گویند ترس و طمع بی‌جا بلای جان معامله‌گر است.

به‌همین دلیل در ادامه مطلب به بیان دو داستان واقعی در مورد این دو حس و رفتار مهم پرداخته‌ایم:

داستان کبوترها

من به این نکته پی بردم که رفتارم کاملا مثل پیرمردی بود که در دوران کودکی می‌شناختم.

او یک تله برای کبوترها داشت و یک نقشه ابتدایی، شامل یک جعبه بزرگ که در قسمت بالای آن یک در با لولا نصب شده بود. این در با یک پشت بند، باز نگه داشته می‌شد و یک تکه ریسمن به آن متصل بود که انتهای آن صد متر آن طرف‌تر به یک اتاقک می‌رسید. یک رد باریک از دانه‌ها را در مسیر کبوتر ریخته می‌شد که آنها را به سمت جعبه هدایت می‌کرد.

وقتی به جعبه می‌رسیدند، در داخل آن مقدار خیلی زیادی دانه می‌دیدند. درست

به نرخ ۳۸۰ تومان بفروشم و وقتی این رقم به رقم ۳۶۰ تومان تنزل پیدا می‌کرد مایل بودم آن را به ۳۸۰ تومان بفروشم. وقتی هم بالاخره مجبور می‌شدم هر سهم را به نرخ ۳۰۰ تومان بفروشم، در عجب بودم از اینکه چه عاملی موجب شده بود این قدر منتظر بمانم!!!

ترس بیشتر = سود کمتر

سال‌ها بود با یک دفترچه خیالی خرید و فروش می‌کردم بدون اینکه سود یا زیان واقعی برده باشم و هر زمان به سود و زیان اندکی دست می‌یافتم از ترس اینکه سود کسب شده یا اصل سرمایه‌ام از بین برود به سرعت اقدام به فروش می‌کردم و هر وقت زیان می‌کردم، سعی داشتم به علتش پی ببرم و از اشتباهاتم به نفع خود استفاده کنم. مدتی گذشت تا اینکه بر حسب اتفاق توجهم به سهمی جلب شد که به مدت ۲ ماه به آن دست نزنده بودم و سودی بالغ بر ۲۰۰ دلار از آن به دست آورده بودم. ماه بعد از آن نیز معاملاتم مقداری سود نشان داد. پیدا بود که به تدریج با ترفندهای کار بورس آشنا می‌شدم. سرانجام در انتهای یک سال، از این که دیدم از طریق بازی یک نفره کوچک تخیلی خود به چه ثنوری‌هایی دست یافته‌ام، شگفت‌زده شدم. یکی از دستاوردهای این تجربه این بود که کم‌کم تمایل پیدا کردم با پول واقعی سهام بخرم؛ مقدار ناچیزی از پس انداز اندک خود را از بانک گرفتم و از دوستی خواستم تا مرا به یک کارگزار بورس معرفی کند. آن روز بعد از ظهر وقتی لیستی از سهام شرکت‌های مختلف را خریداری کردم و ورقه‌ای گرفتم، کاملاً انتظار داشتم که یا تمام سهامی که

در لحظه‌ای که چند کیبوتر به داخل جعبه کشیده می‌شدند، پیرمرد پشت بند را می‌کشید و در روی جعبه می‌افتاد.

یادم می‌آید یک روز که با او بیرون رفته بودم، دیدم که دوازده کیبوتر در جعبه‌اش است. سپس یکی از آنها بیرون جهید و ماند یازده کیبوتر. پیرمرد گفت: «عجب! ای کاش وقتی همه دوازده کیبوتر توی جعبه بودن ریسمان رو می‌کشیدم... یک دقیقه صبر می‌کنم، شاید اون یکی هم برگردد»

اما وقتی منتظر شد تا دوازدهمی به درون جعبه باز گردد، دوتای دیگر هم بیرون جستند

پیرمرد گفت: «مثل اینکه باید به همان یازده تا قناعت می‌کردم. همین که یکی دیگه برگردد، ریسمان رو می‌کشم.»

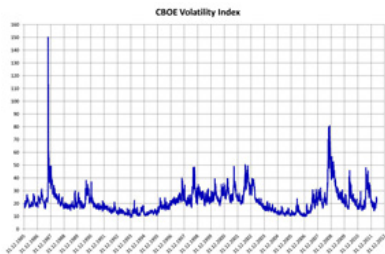
اما سه‌تای دیگر بیرون پریدند. باز هم پیرمرد منتظر شد. او که یک بار موفق شده بود دوازده کیبوتر را به دام بیندازد، حالا راضی نمی‌شد با کمتر از هشت کیبوتر به خانه برگردد.

اصلاً نمی‌توانست از این فکر صرف نظر کند که چند تا از همان کیبوترهای اولی حتماً به جعبه برمی‌گردند. سرانجام وقتی فقط یک کیبوتر در جعبه مانده بود، گفت: «منتظر می‌مونم تا این یکی هم بیرون بره یا یکی دیگه هم بیاد توی جعبه و بعدش دیگه میرم.»

تنها کیبوتری که در جعبه مانده بود هم بیرون پرید و به سایر کیبوترها پیوست و پیرمرد دست از پا درازتر راه خانه را در پیش گرفت. فکر کردم این ماجرا بی‌شباهت به بازار سهام نیست.

وقتی می‌دیدم نرخ یک واحد سهم به ۴۰۰ تومان می‌رسد، دلم نمی‌خواست آن را حتی





نتیجه گیری:

رویکردهای روانشناسی و رفتاری ما تا حد زیادی بر تصمیمات سرمایه‌گذاریمان اثر می‌گذارد. پس ضروری است که از تأثیرات این عوامل آگاه باشیم و خصوصیات روانی خود را بهتر بشناسیم. خودشناسی همیشه اولین گام در بهبودی و پیشرفت است. لذا با شناخت خود می‌توانیم احساسات و هیجانات خود را تا حد زیادی کنترل کنیم و در راه موفقیت در بازار سرمایه گذاری قدم برداریم.

این مطلب با همکاری آقای جعفر مهدی‌زاده کارشناسی اقتصاد دانشگاه صنعتی شاهرود نوشته شده است.

خریداری کرده بودم تنزل کند و کل سودم از بین برود یا این که شرکت کارگزاری ناگهان ورشکسته شود. اما متوجه شدم که حدود ۳۰۰ دلار سود کردم. الان که به گذشته نگاه می‌کنم متوجه شدم که غلبه بر ترس یکی از مهم‌ترین و بهترین تصمیم‌های دوران معامله‌گری من بوده‌است و توصیه‌ام به تازه واردهای این عرصه این است که:

ترس بیشتر = سود کمتر

اما بیاید از دید آمار و ارقام هم به ترس و طمع نگاهی بیندازیم!

VIX (شاخص نوسانات بازار یا شاخص ترس و طمع)

در بورس‌های پیشرفته دنیا و به طور مثال در بورس آمریکا یکی از شاخص‌های مهم که محاسبه و در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرد شاخص VIX است. شاخص VIX شاخصی است جهت سنجیدن نوسانات ادراک سهام‌داران که به طور تخصصی میزان ترس موجود در بین سرمایه‌گذاران را مورد سنجش قرار می‌دهد به طور کلی مقدار بالای VIX به معنای افزایش ترس سرمایه‌گذاران و مقادیر خیلی پایین آن نیز بدین معناست که بازار سهام به نقطه اوج خود رسیده و امکان ریزش قیمت‌ها در آینده نه چندان دور وجود دارد. تحلیلگران عموماً مقدار خیلی بالای VIX را مقدمه بازار رشدی و مقدار خیلی پایین VIX را مقدمه بازار رکودی تفسیر می‌کنند. در تصویر زیر نمونه‌ای از نمودار شاخص VIX برای ایالات متحده را برای شما به تصویر کشیده‌ام:



اقتصاد فرهنگ شاخه‌ای از اقتصاد است که رابطه‌ی فرهنگ را با نتایج اقتصادی بررسی می‌کند و به عنوان یک رشته‌ی رو به رشد در اقتصاد رفتاری، نقش فرهنگ در رفتارهای اقتصادی را بررسی می‌کند. به عنوان یک زمینه‌ی رو به رشد در اقتصاد رفتاری، نقش فرهنگ در رفتار اقتصادی به طور فزاینده‌ای نشان می‌دهد که باعث ایجاد تفاوت‌های قابل توجه در تصمیم‌گیری و مدیریت و ارزیابی‌های ما می‌شود.

فرهنگ یکی از مقوله‌های مهم ارزشی کشورها به حساب می‌آید که مبتنی بر آموزش، دانش و عادات می‌باشد. در این راستا سیاست‌گذاری فرهنگ که به آن مهندسی فرهنگ نیز گفته می‌شود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. از طرف دیگر فناوری‌های ارتباطی حوزه‌های فرهنگی، جامعه را به مؤلفه‌های تأثیرگذار تبدیل نموده‌اند و در بخش‌های مختلف از جمله اقتصاد نقش‌آفرینی می‌نمایند؛ بنابراین می‌توان گفت که فرهنگ بر اقتصاد تأثیرگذار می‌باشد. امروزه نقش فرهنگ در اقتصاد از محورهای مورد توجه اقتصاددانان است و بر این اساس معتقدند که فرهنگ بر توسعه‌ی اقتصادی کشورها مؤثر می‌باشد. در واقع فرهنگ دارایی‌های زیادی از قبیل مهارت‌ها و محصولات به وجود می‌آورد که در ارتقا رفاه جامعه اثر دارد. همچنین منافع فرهنگ و تأثیر آن بر توسعه از طریق توریسم

و سرمایه اجتماعی مورد توجه می‌باشد. جهت درک اثر فرهنگ بر اقتصاد بایستی توجه داشته باشیم که فرهنگ در واقع ارزش‌ها و هنجارهای سیستمی است که در بین افراد جامعه وجود دارد و در فعالیت‌های اقتصادی خود را نشان می‌دهد، اما بایستی توجه داشت که رفتار حداکثر کردن سود و مطلوبیت از جانب هر یک از عوامل اقتصادی در نهایت موجب ایجاد یک سازمان اجتماعی می‌شود که به مفهوم ارزشی آن رفاه اجتماعی را در کل حداکثر می‌کند. مفهوم انسان عقلایی به عنوان یکی از پیش‌فرض‌های تعیین‌کننده و مهم در اقتصاد شناخته می‌شود و براساس این پیش‌فرض، کردار اقتصادی کاملاً عقلایی می‌شود و اساساً انسان اقتصادی رفتارهای عقلایی دارد و از سوی دیگر مفهوم جامعه در اقتصاد و تعیین رویه اقتصاددانان و انشعاب فکری آنها نقش مهمی ایفا می‌کند. پدیده‌هایی از جمله ضایعات فراوان نان، استفاده زیاد از گاز، برق، آب و یا حتی بی میلی به پس‌انداز در کشور وجود دارد. بایستی از یک طرف تلاش خود را در جهت فرهنگ سازی و پایه‌ریزی فرهنگ مصرف کم و صرفه جویی به کار بریم و از طرف دیگر توضیح دقیق اقتصادی در مورد چنین رفتارهایی بایستی مطرح شود و با تغییر شرایط (از جمله افزایش قیمت) رفتار افراد را تحت تأثیر قرار داد. یعنی برای عملیاتی شدن برنامه‌ها بایستی از یک طرف مهندسی فرهنگی صورت گیرد و در عین حال از اصول اقتصادی نیز کمک گرفته شود.

در سطح کلان، اقتصاد فرهنگ به عنوان وسیله‌ای ارتباطی در نظر گرفته می‌شود.



و فقط به پول و هزینه کردن آن محدود نمی‌شود، بلکه تمام ابزارهای رسانه‌ای جامعه امروز ما را در بر می‌گیرد. ابزارهایی از قبیل تلفن، نمابر و یا وسایل ارتباط جمعی مانند رادیو، تلویزیون، سینما، مطبوعات و کتاب. از این فراتر، اقتصاد فرهنگ در سطح کلانش شامل ادبیات شفاهی حاکم بر جامعه و زبان محاوره ای مردم هم می‌شود. در ادبیات دانشگاهی نیز اصطلاحات نظری، اصطلاحات مربوط به هستی‌شناسی و یا اصطلاحات ریاضی و اصطلاحات مربوط به حوزه‌های فیزیک و یا شیمی و حتی علائمی که در جامعه به کار برده می‌شوند و نیز علائمی که در حوزه‌های مختلف کارشناسی وجود دارند همه از وسایل ارتباطی‌اند که در حوزه‌ی کلان اقتصاد فرهنگ می‌گنجند.

در کشور ما این گرایش از اقتصاد، جایگاه چندانی ندارد به طوری که این گرایش در هیچ یک از دانشگاه‌های سراسر کشور تدریس نمی‌شود؛ این در حالی است که این گرایش در بیش از صد دانشگاه خارج از کشور تدریس می‌شود. از جمله دانشگاه‌های معتبری که این گرایش را تدریس می‌کنند می‌توان به دانشگاه‌های کمبریج، شیکاگو، برکلی، استنفورد، لس‌آنجلس و... اشاره کرد.



زهرا مهدوی اطهر

کارشناسی اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد



اقتصاد مالی

آیا تاکنون سهام شرکت بورسی خریده‌اید؟ قیمت یک برگ سهام یک شرکت چگونه تعیین می‌شود؟ آیا این سهام در آینده سودآور خواهد بود و بازدهی مثبت خواهد داشت؟ چقدر احتمال بازدهی مثبت دارد؟ چقدر بازدهی دارد؟ ۱۰ درصد؟ ۲۰ درصد؟ ۵۰ درصد؟ یا هزار درصد؟ هر یک از این بازدهی‌ها با چه احتمالی رخ می‌دهند؟ یا نه! قطعاً هزار درصد سود آور خواهد بود؟ مطمئنید؟؟!! اگر زیان‌ده شد چه؟! ریسک دارد؟!

چقدر طول می‌کشد تا به بازدهی مورد انتظار برسید؟ یک ماه، شش ماه یا بیش از یک سال؟ چه متغیرهایی بر این بازدهی و ریسکش و زمان رسیدن به آن تاثیر می‌گذارند؟ فقط هزینه و درآمد شرکت؟ مخاطرات طبیعی مثل زلزله؟ ریسک‌های سیاسی و اجتماعی؟ یا تقاضای برای خرید آن سهام؟ آیا همه افراد سهام را به موقع می‌خرند و به موقع می‌فروشند؟

قیمت محصولات شرکت چه تاثیری بر قیمت سهام دارد؟ نرخ سود بانکی چگونه بر مالیات و...! اصلاً خود سود بانکی چه روندی را رطی می‌کند؟ همیشه ثابت است؟

اینها سوالاتی است که وقتی وارد یک بازار مالی همچون بازار سهام و یا بازار سرمایه می‌شوید با آنها روبرو خواهید بود. اما

چگونه به این سوالات باید پاسخ داد؟ آیا جواب قطعی و یقینی می‌توان به اینگونه سوالات داد؟ چه دانش و یا دانش‌هایی به این موضوعات می‌پردازد؟

علم اقتصاد، شاخه‌ای دارد به نام «اقتصاد مالی» که می‌تواند در این زمینه به ما کمک کند. به عبارت دیگر، اقتصاد مالی، به طور کلی درباره تحلیل سرمایه‌گذاری است و به طور مشخص بر فعالیت‌های پولی تمرکز دارد. اقتصاد سنتی بر مبادلاتی متمرکز است که تنها یک طرف آن پول است در حالی که اقتصاد مالی روی مبادلاتی کار می‌کند که دو طرف پول باشد یا به عبارت دیگر، در آن به احتمال زیاد از یک نوع پول یا بیشتر در هر دو طرف معامله دیده می‌شود. اما چگونه؟ بسیاری از سرمایه‌گذاری‌ها، مبادله پول کنونی است با پول آتی. این مبادله دو طرف پولی می‌تواند بین دو فرد انجام شود، یا بین فرد و جهان خارج. بنابراین اقتصاد مالی با زمان کار می‌کند. در عین حال زمان در خود نااطمینانی را به همراه می‌آورد و اقتصاددانان مالی با هر دو این پدیده‌ها در مدل‌های خود کار دارند. اقتصاد مالی از تئوری‌های اقتصادی استفاده می‌کند تا با در نظر گرفتن زمان، ریسک، هزینه‌های فرصت و اطلاعات بتواند

دارایی‌های مالی را ارزش‌گذاری کند و به سرمایه‌گذار در اتخاذ تصمیمات مالی کمک کند.

پس بنابراین، موضوع اقتصاد مالی، تخصیص و بکارگیری منابع اقتصادی در محیط و فضایی نامطمئن در طول زمان است. بدین‌منظور، اقتصاد مالی با به‌کارگیری نظریه اقتصاد ارزیابی می‌کند که چگونه زمان، ریسک، هزینه‌های فرصت و اطلاعات می‌تواند مشوق یا ضد مشوقی برای تصمیمات خاص باشد. بنابراین، اقتصاد مالی به مطالعه متغیرهای مالی و رابطه میان آنها می‌پردازد؛ متغیرهایی چون قیمت‌ها، نرخ‌های بهره و سهام. این در حالی است که اغلب شاخه‌های دیگر علم اقتصاد به مطالعه واقعی از نرخ بیکاری تارشد اقتصادی و... می‌پردازد. با وجود این، اقتصاد مالی رابطه میان متغیرهای واقعی را نیز بر متغیرهای مالی مورد مطالعه قرار می‌دهد.

اگر بخواهیم موضوعاتی را که در اقتصاد مالی مطالعه می‌شوند گروه‌بندی کنیم، خواهیم داشت:

۱- **ارزشیابی:** به معنی تعیین ارزش متناسب یک دارایی. در این بخش پرسش‌های ذیل مطرح می‌شود:

دارایی چقدر ریسکی است؟
چه جریان‌های مالی را ایجاد می‌کند؟
قیمت یک دارایی با دارایی‌های دیگر چه تفاوتی دارد؟
آیا جریان‌های مالی وابسته به قیمت سایر دارایی‌هاست؟

۲- **بازارهای مالی و ابزار مالی:** شامل کالاها، سهام، اوراق قرضه، ابزار بازار پول و

مشتقات مالی می‌شود.

۳- **نهاد و مقررات مالی :**

اقتصاد مالی بیش از همه در پی آن است تا مدل‌هایی را از فروض قابل قبول بسازد که قابل آزمون بوده و دارای توصیه‌های سیاستی باشد. برخی از مدل‌های پایه‌ای اقتصاد مالی، تئوری پورتنفوی و مدل قیمت‌گذاری دارایی سرمایه‌ای است. مطالعات تئوری پورتنفوی بیان می‌کند که سرمایه‌گذاران هنگام سرمایه‌گذاری چگونه باید بین ریسک و بازدهی انواع دارایی‌ها و اوراق قرضه تعادل ایجاد کنند. مدل قیمت‌گذاری دارایی سرمایه تشریح می‌کند که چگونه بازارها باید بسته به میزان ریسکی بودن دارایی‌های مختلف، قیمت تعیین کنند.

اما اقتصاد مالی غالباً به ایجاد مدل‌های پیچیده‌ای می‌انجامد تا متغیرهایی را که بر تصمیمات خاص تأثیر می‌گذارد ارزیابی کند. بیش‌تر این مدل‌ها البته فرض می‌کنند که افراد تصمیمات منطقی اخذ می‌کنند، درحالی‌که لزوماً این‌چنین نیست. رفتار غیرمنطقی بازیگران اقتصاد باید در تصمیمات اقتصادی به‌عنوان یک فاکتور ریسک احتمالی مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، در اقتصاد مالی مبحث رفتار منطقی و روانشناسی بازار جایگاه خاصی دارد. بنابراین، موضوع به اقتصاد و مالی رفتاری نیز مربوط می‌شود.

موقعیت‌های شغلی

با توجه به اینکه فارغ‌التحصیلان اقتصاد مالی، همچون دیگر گرایش‌های اقتصاد، در طی تحصیل خود از مبانی علم اقتصاد بهره برده‌اند، پس می‌توانند به مشاغلی که به طور کلی دانش آموخته اقتصاد نیاز است،

از منابع آنلاین، طراحی صفحات گسترده بر اساس مدل های موجود، ارتباط با مشتریان و مدیریت پروژه های تحقیقی با توجه به مفاهیم مختلف منجر می شود.

از طرفی به دلیل قرابت این رشته با حسابداری و مدیریت (مالی)، مشاغلی نیز در این زمینه‌ها برای متخصصان مالی تعریف می شود. همچنین همانطور که در بخش معرفی معرفی بیان شد، دانش آموخته مالی می تواند با ابزارهای مناسب و قدرت تحلیلی که در این رشته آموزش داده می شود، به تنهایی در بازار سرمایه به فعالیت پرداخته و به تجارت (مبادله) بپردازد.

چه دانشگاه‌هایی در این گرایش دانشجو می پذیرند؟

در ایران، گرایش اقتصاد مالی چندان در بین دیگر گرایش‌های اقتصاد جاافتاده نیست. این گرایش در مقطع دکتری، دانشجو می پذیرد و در بین دانشگاه‌های سطح یک، عمدتاً دانشگاه تهران، صنعتی شریف و اصفهان و تبریز در سالهای اخیر پذیرش دانشجو داشته‌اند.

مشغول به کار شوند. از طرفی همانند دیگر رشته‌های دانشگاهی، در صورت طی مدارج و اخذ مدرک دکترا به عضویت هیئت علمی درآیند. اما اقتصاد مالی، همچنان که در بخش‌های پیشین معرفی شد، فرصت‌های اختصاصی و ویژه‌ای را برای دانش‌آموختگان خود ایجاد می کند. متخصصان این رشته می توانند با دانش خود در موسسات مالی و سرمایه‌گذاری به طور ویژه نقش ایفا کنند. مشاور و سیاست‌گذاری مالی از جمله این نقش‌ها می باشد. تحلیلگر مالی و تحلیلگر ریسک نیز از جمله نیازهای بنگاه و موسسات اقتصادی و ... می باشد. به طور مثال، موارد بسیاری برای ایفای نقش در گروه مشاغل اقتصادی (تحلیل گر مالی) برای افراد در نظر گرفته شده است. براساس این مشاغل موجود افراد قادر به تجزیه و تحلیل داده‌های مالی و ارائه این اطلاعات برای کمک به مشتریان و اخذ تصمیم مدیران خواهند بود.

تحلیل‌گران بخش سرمایه‌گذاری کمک بسیاری به مدیران سرمایه‌گذاری خواهند کرد، در حالی که تحلیل‌گران مالی به جمع‌آوری اطلاعاتی در خصوص موسسات مالی مانند بانک‌ها و شرکت‌های بیمه‌ای خواهند پرداخت. در ضمن تحلیل‌گران مالی با ریسک‌هایی مانند شناخت و تجزیه و تحلیل مناطق بالقوه که مورد تهدید قرار می‌گیرند، دسترسی به سرمایه‌های اولیه یا میزان موفقیت سازمان‌ها که ریسک‌مدیریتی، تکنیکی یا زمینه‌ای خوانده می‌شود مواجه خواهند بود.

ایفای هر کدام از این نقش‌ها به وقت‌گذاری بر روی پروژه‌های مالی، استفاده



کنند. نکته‌ی مهم در مورد این گرایش این است که این رشته باعث ساختن ذهنی فعال و انتخاب‌گر برای دانشجویان می‌شود و افراد فارغ‌التحصیل این رشته می‌توانند علاوه بر موارد بالا به فکر چیدن تدارکات و ایجاد بنگاه‌های بازرگانی و خدماتی شخصی باشند. به همین دلیل است که حتی اگر فارغ‌التحصیلان اقتصاد در رشته‌ی تخصصی خود فعالیت نکنند، به دلیل داشتن ذهنی باز و تحلیل‌گر، نگاه کارشناسانه‌ای نسبت به جامعه و پیرامون خود دارند و می‌توانند در هر شغلی موفق و کارآمد باشند.

همچنین در این گرایش موضوعاتی از قبیل: یکپارچگی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، ارزیابی تأثیر نظام ارز شناور بر واردات صادرات غیرنفتی و سطح عمومی قیمت‌ها، تأثیر ریسک بر نوسانات بازدهی سهام در ایران و... مورد تحقیق و بحث قرار گرفته است.

از جمله موضوعات اقتصادی که در خارج از ایران مورد بحث و تحقیق قرار گرفته است میتوان به تئوری رشد و ... اشاره کرد.

مشاغل زیر به طور مستقیم با رشته‌ی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی ارتباط دارند به طوری که دانش‌آموختگان در صورت فعالیت در این شغل بیشترین ارتباط را بین رشته تحصیلی و شغل خود برقرار خواهند کرد: کارمند بانک، رئیس بانک، کارشناس گمرک، مدیر مالی، تحلیل‌گر مالی، کارشناس امور مالیاتی، پژوهشگر، مشاور مدیریت، مدیر فروش،

گرایش اقتصاد نظری

در این گرایش که به آن اقتصاد محض نیز گفته می‌شود، به طور خاص به علم اقتصاد پرداخته می‌شود. هدف این رشته با تأکید بر تئوری‌های اقتصادی تربیت دانشجویانی است که قدرت لازم و کافی در بررسی و تحلیل مسائل و پدیده‌های اقتصادی را داشته باشند تا بتوانند با استفاده از دانش علمی خود آن‌ها را ریشه‌یابی کنند. به گفته‌ی استادان و دانشجویان این رشته، دانشجوی اقتصاد بیش از هر چیز باید در درس ریاضی قوی باشد تا بتواند در این رشته موفق گردد.

مزیت این گرایش نسبت به دیگر گرایش‌های اقتصاد باعث شده طرفداران بیشتری در بین دانشجویان داشته باشد، این است که دانشجویان این گرایش دید کلی نسبت به علم اقتصاد پیدا می‌کنند و زمینه‌ی لازم جهت ورود به تخصص‌های مورد علاقه‌ی خود را کسب خواهند کرد. به علاوه این گرایش بیشتر جنبه‌ی تئوری و انتزاعی دارد و توجه خود را بر روی تئوری‌های ریاضی متمرکز کرده است.

فارغ‌التحصیلان این رشته در ایران می‌توانند در بخش‌های مختلف وزارت اقتصاد مثل بخش مالیات، سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی، و مرکز آمار فعالیت

کارشناس یا مدیر بازاریابی و...
تحصیل در گرایش اقتصاد نظری در
مقطع کارشناسی ارشد در داخل ایران
در دانشگاه‌هایی مانند: صنعتی شریف
تهران، علامه طباطبایی تهران، شهید
بهشتی تهران، دانشگاه فردوسی مشهد،
دانشگاه تهران، دانشگاه مازندران، دانشگاه
شیراز، دانشگاه یزد، دانشگاه اصفهان و...
امکان‌پذیر است.

تحصیل در خارج از ایران در دانشگاه
استنفورد آمریکا بهترین گزینه برای
تحصیل در رشته‌ی اقتصاد و نیز اقتصاد
نظری است. هم‌چنین مرکز تحقیقات
اقتصاد مربوط به دانشگاه شیکاگو یکی
از مراکز پژوهشی بسیار مهم در رشته‌ی
اقتصاد می‌باشد که در سطح جهانی مطرح
است.



در نظر گرفته شده است.
۵. نظریه پسا توسعه: این نظریه تمام نظریه‌های قبلی توسعه را بازتابی از سیطره کشورهای غربی بر سایر کشورها می‌داند. طبق نظر ایده‌پردازان این نظریه مفهوم توسعه یک ساخت ذهنی است برای رتبه‌بندی کشورها. صاحب‌نظران این نظریه طرفدار ساختاری به منظور تعامل، همبستگی، و توجه بیشتر به دانش و معرفت هستند.

در آخرین اجلاسی که پیرامون اقتصاد توسعه در دانشگاه کرنل آمریکا برگزار شد و اقتصاددانان از سراسر جهان در آن حضور یافته بودند مباحثی نظیر کشاورزی، رفتاری، تغییرات آب و هوایی، امنیت غذایی و... مطرح شدند.

در ایران نیز این رشته برای بدست آوردن دو هدف زیر به وجود آمده است:

الف) انجام پژوهش و ایجاد زمینه لازم در پایه‌ریزی و گسترش تئوری و سیاست‌های توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی متناسب با الگوی اقتصادی مستقل طراحی شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی به طوری که بتواند مسیرهای اصلی حرکت اقتصادی را به سوی استقلال طراحی نماید.

ب) تربیت کارشناسانی که بتوانند با استفاده آگاهانه و مفید از دستاوردهای علوم اقتصادی و برنامه‌ریزی، فعالیت اجرایی خود را با تکیه بر دستاوردهای تفکر اقتصادی غیر وابسته و مستقل، بر



گرایش اقتصاد توسعه از جمله کاربردی‌ترین گرایش‌های رشته اقتصاد در مقطع ارشد است که بعد از اقتصاد نظری شاید بتوان گفت پرتعدادترین گرایش نیز می‌باشد. مانند تمام علوم موجود، اقتصاددانان توسعه نیز از بدو پیدایش این رشته دائما با یکدیگر در نزاع بوده‌اند و تئوری‌های متعددی در این زمینه ارائه داده‌اند. مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

۱. **نظریه ساختارگرایی:** طبق این نظریه راه حل توسعه در تغییر نظام اقتصادی کشور از کشاورزی به صنعتی می‌باشد.

۲. **نظریه وابستگی بین المللی:** این نظریه راه حل توسعه یافتن کشورهای توسعه‌نیافته را ایجاد روابط تجاری با قسمت‌های توسعه‌یافته جهان می‌داند.

۳. **نظریه نئوکلاسیک:** این نظریه عنوان می‌کند برای توسعه یافتگی کشورها باید دست دولت از اقتصاد کشور قطع شود و اقتصاد بر پایه تجارت آزاد شکل گیرد.

۴. **نظریه توسعه انسانی:** در این نظریه راه حل توسعه در توسعه نیروی انسانی جامعه می‌باشد.

برای توسعه انسانی نیز شاخص‌هایی مانند دسترسی به دانش، امید به زندگی و سطح درآمد افراد

اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی، انجام بدهند.

به طور کلی یعنی اولاً انجام پژوهش برای به دست آوردن تئوری مناسب برای توسعه کشور و ثانیاً تربیت نیرو برای عملیاتی کردن آن. در حال حاضر نیز در ایران مباحث توسعه به سمت الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت جهت گیری شده است.

دانشجویان این دوره بعد از اتمام تحصیل می توانند مسئولیت های طراحی استراتژی و سیاست های اقتصادی و اجتماعی را بر عهده گرفته و با به کارگیری ابزار مناسب برنامه ریزی در جهت اجرای طرح ها فعالیت نمایند. این کارشناسان ارشد برای پر کردن خلاء تخصصی موجود در نظام برنامه ریزی کشور می توانند به کار گرفته شوند. همچنین دانشجویان پس از اتمام تحصیل در این رشته می توانند در مشاغل نظیر استاد دانشگاهی، کارشناس مالیاتی، کارشناس گمرک، پژوهشگر، مدیر مالی و... به خدمت گرفته شوند.

در حال حاضر در چارت مصوب وزارت علوم، دانشجویان علاوه بر گذراندن دروس اقتصاد خرد، کلان، سنجی، برنامه ریزی اقتصادی که دروس اجباری می باشند، می توانند دروسی اختیاری نظیر اقتصاد تولید کشاورزی، سیاست های کشاورزی، اقتصاد صنعتی سیاست گذاری در بخش صنعت، و اقتصاد ایران را نیز انتخاب کنند. در حال حاضر گرایش اقتصاد توسعه در اغلب دانشگاه های برتر کشور نظیر دانشگاه تهران، علامه طباطبایی،

علم و صنعت، الزهرا(س) (ویژه خواران)، فردوسی و... تدریس می شود. همچنین دانشجویانی که قصد ادامه تحصیل در خارج از کشور را دارند می توانند در دانشگاه هایی نظیر دانشگاه سوانسی، گلاسکو، ناتینگهام ترنت، لیدز، آکسفورد، کمبریج و... به تحصیل بپردازند.

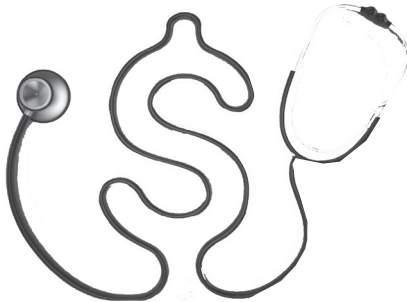




در بخش عمومی مراقبت‌های سلامت مشغول به کار شوند یا ممکن است توسط شرکت‌های خصوصی استخدام شوند. این اقتصاددانان از مهارت‌های خود و ابزارهایی که در طول تحصیلات و تجربه شغلی خود آموخته‌اند برای تجزیه و تحلیل مراقبت‌های بهداشتی و زمینه‌های مختلف آن استفاده خواهند کرد. آنان، سیاست‌های این گونه مراقبت‌ها را ارزیابی کرده و چالش‌های بیشتری را در این زمینه برطرف می‌کنند.

چشم انداز شغلی این رشته در حال حاضر بسیار عالی است. این تا حدودی به دلیل متنوع بودن فرصت‌ها برای آن‌ها است. این مشاغل شامل کار در بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، شرکت‌های بیمه درمانی، شرکت‌های داروسازی، ارگان‌های دولتی و حتی سازمان‌های بین‌المللی است. با داشتن انتخاب‌های بسیار از محیط‌های مختلف، یک اقتصاددان سلامت می‌تواند زمینه مناسب را برای استفاده از مهارت‌ها و آموزش‌های خود پیدا کند.

در بخش خصوصی، یک اقتصاددان سلامت می‌تواند از جمله بسیاری خدمات



اقتصاد سلامت به عنوان یک موضوع کاربردی و شاخه‌ای از علم و رشته اقتصاد از سال ۱۹۶۳ میلادی شناخته شد. زمانی که کنت ارو مقاله خود را با موضوع (نااطمینانی و اقتصاد رفاه مراقبت‌های پزشکی) در مجله اقتصاد آمریکا منتشر کرد. این مقاله آغازی بود بر شاخه‌ای از اقتصاد که بر کارایی، تاثیرگذاری، ارزش و رفتار در تولید و مصرف حوزه مراقبت‌های سلامت تمرکز دارد.

اقتصاد سلامت یکی از زمینه‌هایی است که به سرعت در حال رشد است و تجارت را با مراقبت‌های سلامت پیوند می‌دهد. یک اقتصاددان سلامت اشتیاق بی‌نظیری در استفاده از دانش خود در زمینه اقتصاد با استفاده از آن در انواع چالش‌های بهداشت و پزشکی دارد. با افزایش جمعیت، تقاضا برای مراقبت‌های سلامت با کیفیت و مقرون به صرفه به طور مشابه افزایش می‌یابد و باعث می‌شود مشاغل موجود در اقتصاد سلامت برای حفظ سیستم مراقبت‌های سلامت ما بسیار مهم باشد. اقتصاددانان سلامت متخصصانی هستند که نحوه استفاده از منابع ما در مراقبت‌های سلامت را بررسی می‌کنند. آن‌ها همچنین بر توزیع منابع و حفظ سلامت شغلی در سیستم مراقبت‌های سلامت متمرکز هستند. آن‌ها ممکن است

دیگر را برای شرکت‌های بیوتکنولوژی و شرکت‌های خصوصی بیمه درمانی ارائه دهد. به عنوان مثال، ممکن است یک برنامه استراتژیک برای یک فناوری یا محصول جدید خاص طراحی کند و به این ترتیب سود شرکت را به حداکثر می‌رساند زیرا این اقتصاددانان روش‌های کارآمدتری برای انجام کار و افزایش سود حاصل از بازاریابی پیدا می‌کنند.

در بخش دولتی نیز فرصت‌های جالب توجهی برای کار در این زمینه وجود دارد. یک اقتصاددان بهداشت ممکن است سیاست‌های مراقبت‌های سلامت، مانند مواردی را که بر سلامت فضای کار تأثیر می‌گذارد، بررسی و ارزیابی کند. در این روش، یک اقتصاددان به نظارت بر کیفیت و مقرون به صرفه بودن رویه‌ها و مقررات کمک می‌کند. آن‌ها همچنین مهارت‌های خود را به کار می‌گیرند تا اطمینان حاصل شود که مراقبت‌های سلامت پایدار بوده و در یک چارچوب ایمن و مؤثر کار می‌کند. اقتصاددانان بهداشت همچنین ممکن است مزایا و کاربردهای پزشکی را برای خدمات و محصولات خاص ارزیابی کنند. یک اقتصاددان سلامت نقش اساسی را در بخش تحقیق ایفا می‌کند، جایی که فعالیت‌ها می‌تواند شامل تجزیه و تحلیل داده‌های بالینی مربوط به هزینه‌ها و زیرساخت‌های مراقبت‌های سلامت باشد. یکی دیگر از زمینه‌های مهم تحقیق، روابط پزشک و بیمار را از نظر مراقبت از بیمار و هزینه‌های آن در بر می‌گیرد. یک اقتصاددان سلامت ممکن است اطلاعاتی

را در مورد نحوه به کارگیری و استفاده از خدمات درمانی در سطوح مختلف مراقبت‌های سلامت، جمع‌آوری کند.

حتی می‌توانید به عنوان یک مشاور به فعالیت بپردازید. در این نقش، شما در زمینه اقتصاد سلامت مشاوره ارائه می‌دهید و همچنین مدل‌سازی و پیش‌بینی‌ها را انجام می‌دهید. این نوع نقش بسیار تحلیلی است و هدف آن بهبود ساختارهای موجود برای دستیابی به موفقیت‌های آینده است. در نقش مشاور، شما ممکن است در سطح بین‌المللی مراقبت‌های سلامت نیز کار کنید، جایی که می‌توانید مقررات کلان اقتصادی و چگونگی تأثیر آن‌ها بر کشورهای مختلف را بررسی و تحلیل نمایید. حتی ممکن است به این موضوع توجه داشته باشید که چگونه سیاست‌های مختلف می‌تواند چندین کشور را پشتیبانی کند و چگونه ممکن است ارتباطات بهبود یابد.

با توجه به رقابت در این رشته در سطح بین‌المللی، یک مدرک تحصیلات تکمیلی برای شانس موفقیت بسیار توصیه می‌شود. حقوق به طور معمول بسته به بخش و سطح شغلی متفاوت است اما به طور کلی، اقتصاد سلامت از لحاظ درآمدی در جایگاه مناسبی قرار دارد.

درباره کلیات رشته و فرصت‌های شغلی بحث شد، اما بحث دیگری که از اهمیت بالایی برخوردار است این است که این رشته در چه دانشگاه‌هایی ارائه می‌شود. در ایران این رشته از سال ۱۳۸۰ در دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی دانشگاه



علوم پزشکی ایران سابق در مقطع ارشد با ۴ نفر ظرفیت شروع به پذیرش دانشجو کرد. در سال ۱۳۸۴ دانشگاه شاهد به عنوان دومین دانشگاه در سطح کشور نیز مجوز پذیرش دانشجو را دریافت نمود. یکسال بعد دانشگاه علوم پزشکی تهران موفق به پذیرش دانشجو در این رشته شد. سپس گسترش این رشته محدود شد تا اینکه در سالهای اخیر دانشگاه علوم پزشکی شیراز و کرمان نیز در این رشته دانشجو می‌پذیرند. بطور کلی در حال حاضر تربیت دانشجویان اقتصاد سلامت در دانشگاه‌های زیر صورت می‌گیرد:

- دانشگاه علوم پزشکی تهران دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی: مقطع ارشد و دکتری
- دانشگاه علوم پزشکی تهران دانشکده بهداشت: مقطع ارشد و دکتری
- دانشگاه شاهد: مقطع ارشد
- دانشگاه علوم پزشکی شیراز: مقطع ارشد
- دانشگاه علوم پزشکی کرمان: مقطع ارشد

اگر قصد ادامه تحصیل در خارج از کشور را نیز داشته باشید، چند دانشگاه این رشته را به شکل تخصصی ارائه می‌دهند. دیگر دانشگاه‌ها این رشته را به عنوان Minor یا Specialization ارائه می‌دهند. به این صورت که در دانشگاه‌هایی که رشته اقتصاد را ۲ ساله ارائه می‌دهند، شما در سال دوم می‌توانید دروس تخصصی مربوط به اقتصاد سلامت را انتخاب کنید. دانشگاه‌هایی که این رشته را به صورت تخصصی ارائه می‌دهند در ادامه معرفی

می‌شوند:

- Johns Hopkins University: Master of Health Science in Health Economics & Outcomes Research
 - NUI Galway: Master of Science in Health Economics
 - Karolinska Institute: Master's in Health Economics, Policy and Management
 - University of Oslo: Master's in Health Economics, Policy and Management
- دانشگاه اول در آمریکا و سه دانشگاه دیگر در اروپا قرار دارند. لازم به ذکر است که تمام این دانشگاه‌ها در لیست دانشگاه‌های ممتاز مورد تایید وزارت علوم قرار دارند. پس از ارو، ویلارد منینگ در راستای گسترش این شاخه از اقتصاد مقاله خود را با عنوان «بیمه سلامت و تقاضا برای مراقبت‌های درمانی» منتشر کرد. این مقاله همانند مقاله ارو از معروف‌ترین مقالات اقتصاد سلامت می‌باشد.
- البته موضوعات پژوهشی حال حاضر اندکی متفاوت با سال ۱۹۶۳ هستند. بر اساس آمار مجله «اقتصاد سلامت» موضوع مقالات با بیشترین ارجاع از سال ۲۰۱۶ به ترتیب زیر هستند:
- نوآوری در صنعت داروسازی: برآوردهای جدید از هزینه‌های تحقیق و توسعه
 - یارانه‌های حق بیمه، دستورالعمل‌ها و گسترش طرح Medicaid: تأثیرات پوششی قانون مراقبت‌های مقرون به صرفه
 - آیا قوانین ماریجوانای درمانی، اعتیاد و مرگ و میر ناشی از مسکن‌ها را کاهش می‌دهد؟

• شکل‌گیری عادات در کودکان

• افزایش وزن از طریق بازنشستگی

مقالات بالا بیشترین ارجاع و بیشترین تعداد دانلود را داشته‌اند. موضوع این مقالات نشان می‌دهد که حوزه‌های پژوهشی اقتصاد سلامت در حال حاضر به شکل قابل توجهی به مسائل دنیای واقعی سوق داده شده‌اند و این در حالی است که برخی از شاخه‌های اقتصاد کماکان به موضوعات تئوری می‌پردازند.

اقتصاد سلامت رشته‌ای جوان در ایران و در سراسر جهان است. این امر نشان‌دهنده ظرفیت بالای این رشته برای فعالیت، تحصیل و اشتغال دانشجویان کارشناسی اقتصاد است. اگر شما یک ذهن تحلیلی و نیرویی برای تحقیق و منطق همراه با علاقه و مراقبت عمیق برای ارتقاء سلامت عمومی دارید، به احتمال زیاد اقتصاد سلامت برای شما بسیار هیجان‌انگیز و سودمند خواهد بود.





توفیق در این بازار بزرگ، شناخت کامل بازار روسیه است که قوانین سختی برای واردات دارد. به دلیل توافقنامه اتحادیه اوراسیا برای ورود ایران به آن مجلس شورای اسلامی در صورت موافقت می‌تواند تسهیل‌کننده حضور تجار و بازرگانان ایرانی در بازار اوراسیا باشد و اتصال راه‌آهن ایران به آذربایجان در ماه‌های گذشته فرصت خوبی برای توسعه مرادوات تجاری بین ایران و روسیه، ارمنستان، قزاقستان و بلاروس می‌باشد. حسن مرتجی فعال اقتصادی می‌گوید روسیه با حدود سه برابر وسعت ایران، به دلیل نزدیکی جغرافیایی و مشترکات فرهنگی با کشورمان، همواره یکی از اهداف صادرات کالا و خدمات ایران به شمار رفته‌است. عزم جدی مسئولان بلندپایه ۲ کشور بر گسترش روابط دوجانبه و تبادل هیأت‌های تجاری می‌تواند نقش بسیار موثری در تسهیل ارتباط بین تجار ۲ کشور و آماده‌سازی بازارهای متقابل برای همکاری با یکدیگر باشد.

بازایابی و صادرات فروش در روسیه

به علت آنکه روسیه بازار نسبتاً بزرگی است تجار ایرانی علاقه زیادی به صادرات

فرصت‌های تجاری ایران و روسیه
اغلب کالاهایی که به روسیه صادر میشود عبارتند از پسته، خیارشور، انگور خشک، کلم، مربا، ژله، سیب زمینی، خرما، کیوی، رب گوجه فرنگی، توتون و تنباکو، اما رشد صادرات نسبت به ظرفیت متأسفانه پایین است.

اغلب کالاهایی که از روسیه به ایران وارد می‌شود شامل دانه گندم، فولاد، کاغذ و روزنامه، توربین‌های بخار، دانه لوبیا و سویا است که این امار مربوط به سال ۹۱ است که حدود ۱۵۷۰ میلیون دلار بود و در سال ۹۳ چوب، روغن آفتاب‌گردون، جو، محصولات آهن، دوربین، کتاب و بروشور است.

ویژگی‌های شهر مسکو: شهر مسکو با بیش از ۱۲ میلیون نفر جمعیت یک شهر توریستی و نمایشگاهی در جهان است. بازار شهر مسکو و اطراف آن معادل بازار کل اروپا است. قدرت و توان مالی و اقتصادی روس‌ها با سیاست‌های جمعیت و مقدار مصرف، هیچ موقع این توان را در اروپا نخواهیم دید.

هادی تیزهوش تابان می‌گوید: با توجه به تحریم‌های ظالمانه غرب و شرایط ویژه‌ای که روس‌ها اعمال کردند، باید رویکرد جدیدی در توسعه صادرات به این کشور اتخاذ کنیم. مهم‌ترین پیش‌شرط



دارند اما به علت پیچیدگی آن و دلایلی همچون حضور فیزیکی و هزینه بالا و عدم دسترسی به اطلاعات دقیق مانع از حضور موفق تجار شده است. در صادرات به روسیه ارتباط‌گیری با روس‌ها کار آسانی نیست و شرکت روسی به سختی به درخواست‌های طرف خارجی روس اجازه واردات می‌دهد این یعنی اینکه اگر نتوانید کالاها را در روسیه انبار کنید و به صورت محلی به مشتری عرضه کنید ۸۸٪ از بازار روسیه را از دست خواهید داد.

برای اشخاصی که قصد دارند حرفه‌ای وارد بازار روسیه بشوند:

مرحله اول: جستجو برای یافتن کالای مشابه و قیمت کالا در روسیه

مرحله دوم: برآورد هزینه‌های ارسال و ترخیص

مرحله سوم: بررسی و تعیین نوع بسته بندی و عرضه کالا در روسیه

مرحله چهارم: اعلام بهترین شرایط فروش

مرحله پنجم: جستجو مشتری و اعلام شرایط به خریداران

مرحله ششم: صحبت و اعلام شرایط به خریداران و بستن قرارداد

مرحله هفتم: تحویل و دریافت کالا

روش‌های مختلف در تجارت با روسیه وجود دارد مثلاً روش مکاتبه از دور که ریسک کم دارد اما شانس آن هم کم است چون مکاتبه با زبان انگلیسی بی‌فایده است و روس‌ها از راه دور به ندرت جواب می‌دهند اما به هیچ شرکتی وابسته نیستید و مستقل هستید.

حضور با واسطه در روسیه: ریسک متوسط

دارد چون ممکن است نماینده کم‌کاری کند اما شانس آن بالا است چون به مشتریان دسترسی دارید و می‌توانید با آنها مذاکره کنید و اعتمادشان را جلب کنید.

حضور مستقیم در روسیه: ریسک بالا به دلیل هزینه بالا برای اقامت شما و آشنا نبودن به فرهنگ و زبان روس‌ها اما مزایای بالا به دلیل اینکه همه چیز تحت کنترل شماست و هیچ نماینده‌ای به اندازه خود شما دل‌سوز نیست و شناخت دست اول از مشتریان و بازار را دارید.

یکی از بهترین دانشگاه‌ها در زمینه تجارت دانشگاه اقتصاد و تجارت بین‌الملل پکن است که ۳۲۰۰ دانشجوی بین‌الملل دارد و دانشجویان این دانشگاه به دلیل دانش و مهارت بالا و ارتباط عمومی بالا و ذهن فعال و تجربه کافی مورد پذیرش عموم قرار دارد. فارغ‌التحصیلان این دانشگاه عموماً در موسسات دولتی و امور مالی و شرکت‌های چند ملیتی و موسسات بازرگانی مستقر در خارج از کشور مشغول به کار می‌شوند.

